



موضوع:

تاریخ:

نام و نام خانوادگی:

هدف:

درس ۶

سوالات امتحانی

کارآزمون ۶

فرا امتحان تأکید امتحان

واژه‌ی مناسب را انتخاب کنید و در جای خالی قرار دهید.

۱) ای سرودی / ای دلیل زنده ماندن (ساقاننه - صادقانه - صادقانه)

۲) مثل راز شعر / مثل آواز قناری (حافظ - حافظ - حافظ)

۳) با غروری، با / با وفایی همچو خاک ... (گذشتی - گزشتی)

۴) مثل بوی / گل‌ها / مثل سبزی چمن ... (عطر - اطر - عطر)

گزینه‌ی درست را با علامت ✓ مشخص کنید.

۵) بیت دای سلام، ای سرودم / ای نگهبان وجودم، چند جمله دارد؟

۵ (د) ✓

۴ (ج) ✓

۲ (ب) ✓

۳ (الف) ✓

۶) کتاب «کیمیای سعادت»، اثر کیست؟

الف) نظامی گنجه‌ای ✓

ب) محمد غزالی ✓

ج) شیخ محمود شبستری ✓

د) ظهیری سمرقندی ✓

۷) در کدام عبارت، حرف ندا و عنادا وجود دارد؟

الف) همچو آواز بلندی ✓

ب) مثل سربازان عاشق ✓

ج) ای دلیل زنده ماندن ✓

د) همچو رویش در بهاران ✓

۸) در جمله‌ی دای وطن باوفایی همچو خاک، مشبّه کدام مورد است؟

الف) وطن ✓

ب) ای وطن ✓

ج) خاک ✓

د) باوفایی ✓





موضوع:

تاریخ:

نام و نام خانوادگی:

هدف:

۲۷

درس ششم: ای وطن

وصل کنید.

۹) هر عبارت از سمت راست را به عبارت مناسب در سمت چپ وصل کنید. (بعضی از مردم چون دارو هستند).

بعضی از مردم	▶	◀	مشتبه
چون	▶	◀	مشته
دارو	▶	◀	دلیل شهادت
بعضی وقت‌ها لازم می‌شوند.	▶	◀	ادات تشبیه

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱۰) غلط‌های املائی را پیدا کرده و املائی درست آن‌ها را بنویسید.

با قروری - قهرمان غصه‌هایی - سیر و تحفل - مایع و باعث

۱۱) در عبارات زیر منادا و حرف ندا را مشخص کنید.

الف) یا علی از ما بگذر:

ب) سعدیا! مرد نکونام نمیرد هرگز:

۱۲) واژه‌های زیر را به چیزهای مناسب تشبیه کنید و در جمله‌ای به کار ببرید.

الف) ایران همانند:

ب) معلم چون:

۱۳) مفهوم ضرب‌المثل «با دوستان بساز و بر دشمنان بتاز» را بنویسید.

۱۴) جاهای خالی را با «آقا/ولی» بنمایان، وء کامل کنید.

پدر هر روز عصر قبل از تاریک شدن هوا از کارخانه به خانه می‌آمد. — آن روز هیچ اطلاعی از او نداشتیم، ما تلفن نداشتیم — از آقا مسلم، صاحب‌خانه‌مان خواستیم که به کارخانه تلفن بزند. — آقا مسلم قبول نکرد و از بابت عقب افتادن اجازه گله کرد. ناگهان زنگ در به صدا درآمد. من: — برادرم به طرف در دویدیم، پدر خیلی خسته و ناراحت وارد شد. هنوز حقوق نگرفته بود. یک ساعت بعد همکار پدرم با پاکتی در دست آمد و گفت: «یک ساعت بعد از این‌که پدرتان از کارخانه خارج شد، حقوق‌ها را دادند». — پدر بول را گرفت، تشکر کرد و نزد صاحب‌خانه رفت.